

فلسفه و اخلاق در ایران باستان

دینشاه ایرانی سلیمتر



به کوشش مینا عرشى

تجرب

فلسفه و اخلاق در ایران باستان

کتاب بهار

فلسفه

فلسفه و اخلاق در ایران باستان

دینشاه ایرانی سلیستر

به کوشش مینا عرشی

تنگ

تهران ۱۴۰۱

فلسفه و اخلاق ایران باستان
دینشاه ایرانی سلیستر
به کوشش مینا عرشى
چاپ اول ۱۴۰۱
شمارگان ۲۲۰
صفحه‌آرا: مریم درخشان گلریز
طراح جلد: پاشا دلرابی
چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

سرشناسه:	دینشاه ایرانی، ۱۸۸۱-۱۹۳۸م.
عنوان و نام پدیدآور:	فلسفه و اخلاق در ایران باستان / دینشاه ایرانی سلیستر؛ به کوشش مینا عرشى.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری:	۱۴۰ ص.
فروست:	کتاب بهار؛ ۸۹، فلسفه
شابک:	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۰۶۷ - ۵۵ - ۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر قبلاً به صورت دو کتاب مجزا با عنوان «اخلاق ایران باستان» و «پرتوی از فلسفه ایران باستان» منتشر شده است.
عنوان دیگر:	اخلاق ایران باستان.
عنوان دیگر:	پرتوی از فلسفه ایران باستان.
موضوع:	زردشتی (Zoroastrianism)، اخلاق زردشتی (Zoroastrian ethics)، تعلیمات دینی زردشتی (Zoroastrian religious education)، زردشتی -- عقاید (Zoroastrianism--Doctrines)، زردشتی -- شعایر و مراسم مذهبی (Zoroastrianism--Rituals).
شناسه افزوده:	عرشى، مینا، ۱۳۵۸ -، گردآورنده.
رده‌بندی کنگره:	BI۱۵۷۱
رده‌بندی دیویی:	۲۹۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۸۹۷۵۸۸۱
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی:	فیا

فروش اینترنتی: www.ketabebahar.com

فروشگاه: انتشارات آگاه، خیابان انقلاب، شماره ۱۳۴۰، تلفن: ۰۶۶۴۶۷۳۲۳، www.agahbookshop.com

مراکز پخش: پیام امروز (۳۵ ۴۸ ۶۵ ۶۶)، صدای معاصر (۸۲ ۸۵ ۹۷ ۶۶)

۸۰ هزار تومان

فهرست

۷	مقدمه
۹	دیباچه کتاب «اخلاق ایران باستان»
۱۱	تقریظ (آفرین باد)
۱۳	سرآغازنامه کتاب «پرتوی از فلسفه ایران باستان»
۱۵	سرگذشت دینشاه ایرانی سلیسیتر
۱۷	بخش نخست
۱۷	فلسفه آموزه‌های زرتشت
۱۹	فصل نخست: علم و دین
۲۵	فصل دوم: آموزه‌های گات‌ها
۳۷	فصل سوم: هفت گام روحانی
۶۷	فصل چهارم: بازتاب آموزه‌های زرتشت در اوستا
۹۷	بخش دوم
۹۷	نمودهای اخلاقی آموزه‌های زرتشت
۹۹	فصل نخست: آیین زرتشت از دیدگاه راییند رانات تاگور
۱۰۵	فصل دوم: آیین زرتشت از دیدگاه سموئیل لنگ
۱۲۳	فصل سوم: دیدگاه‌های تاریخ‌نویسان یونان و روم درباره ایرانیان باستان
۱۳۳	فصل چهارم: نمودهایی از آیین زرتشت

مقدمه

کتابی که در دست دارید یکی شده دو کتاب «اخلاق ایران باستان» و «پرتوی از فلسفه ایران باستان» است. کتاب «اخلاق ایران باستان»، نخستین بار در ۱۹۲۸ میلادی در سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی در هند، شهر بمبئی به چاپ رسید. چند سال بعد و در سال ۱۹۳۳ میلادی همان انتشارات کتاب «پرتوی از فلسفه ایران باستان» را منتشر کرد. نویسنده این کتاب‌ها - دین‌شاه ایرانی سلیسیتر - در سرآغازنامه کتاب فلسفه در ایران باستان می‌نویسد که در پی استقبال از کتاب اخلاق ایران باستان، بر آن شده تا کتاب دوم را در تکمیل کتاب اول بنویسد. کتاب دوم در بردارنده مطالب فلسفی برای آشنایی بیشتر خواننده با مباحث کتاب اول و چراغی است برای بهتر دیدن آنچه در «اخلاق ایران باستان» آمده است.

هر کدام از این دو کتاب به نوعی وابسته به یکدیگر و درهم‌تنیده‌اند، به گونه‌ای که برای درک مفاهیم هر کدام از کتاب‌ها به خواندن کتاب دیگر نیاز است و هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌تواند خواننده را راضی کند.

سال‌ها پیش هنگامی که این کتاب‌ها را می‌خواندم، فکر کردم که اگر این دو کتاب یکی می‌شد، خواننده درباره فلسفه و اخلاق در ایران باستان یک کتاب خواندنی، یک دست و خوب در اختیار داشت و می‌توانست نیاز خود را به آشنایی با این بخش از تاریخ اندیشه و فرهنگ ایران را برطرف کند.

خوشبختانه بانو مینا عرشی آرزوی دیرینه من را برآورده ساخت. ایشان باعلاقه و دقت نظر توانست با یکی دانستن دو کتاب و یکسان‌نگری به آن‌ها، کتابی یک‌پارچه بیافریند که کوشش‌شان درخور تحسین است. کتاب «فلسفه و اخلاق در ایران باستان» همه مباحث کتاب‌های «اخلاق ایران باستان» و «پرتوی از فلسفه ایران باستان» را در بردارد و حتی کلمه‌ای از کتاب‌ها حذف نشده است. در این کتاب، بخش‌های دو کتاب اولیه، به ترتیب از فلسفه تا اخلاق یک‌پارچه شده و خواننده یک سیر فکری شامل فلسفه تا کاربرد آن در

اخلاق را می‌تواند دنبال کند. در این چاپ، شیوه نگارش و رسم الخط کتاب امروزی شده تا خواندن آن آسان‌تر باشد.

همراه با ارج‌گذاری به کوشش بانو مینا عرشی، یادآور می‌شود که دو کتاب یادشده سال‌هاست چاپ نشده و این چاپ می‌تواند به خوبی جایگزین آن دو شود.

بوذرجمهر برخیده

تیرماه ۱۴۰۱

دیباچه کتاب «اخلاق ایران باستان»

این کتاب مجموعه مختصری از تعالیم اشوزرتشت و نمونه‌ای از اخلاق ایرانیان باستان است که در جزو انتشارات مزدیسنا منتشر می‌گردد.

باب اول و دوم این کتاب شرح مختصری است از تعالیم اخلاقی «گات‌ها» و اثرات آن در سایر قطعات اوستا و از برای سهولت خوانندگان توضیحات و یادداشت‌های لازمه در باورقی افزوده شده است. قطعات منتخبه گات‌ها و قطعات دیگر اوستا و ادبیات پهلوی که باب سوم این کتاب را تشکیل می‌دهد بهترین شاهد است که آیین زرتشت دارای بلندترین تعالیم اخلاقی است و ایرانیان قدیم دارای دین پاک یکتاپرستی بوده‌اند.

در باب چهارم این کتاب بعضی از عقاید و آراء مورخان و نویسندگان یونان و روم قدیم را راجع به اخلاق ایرانیان باستان جمع‌آوری کرده‌ایم. این قسمت تقریباً ترجمه‌ای است از کتاب دکتر آدولف راپ (Dr. Adolph. Rapp).

مندرجات این کتاب مطالب تازه‌ای نیست بلکه همان مطالبی است که سال‌ها علمای اروپا آن‌ها را مورد بحث و تحقیق قرار داده‌اند، دایره کمال که اثر فکر نگارنده است خلاصه و فهرست تعلیمات زرتشت است که در یک نظر خوانندگان را به حقیقت مزدیسنا و فلسفه گات‌ها و امشاسپندان آشنا می‌سازد.

در اینجا لازم می‌دانیم از آقای پورداد که در مطالعه این نامه دقت فرمودند و از آقای بهرام گور انکلسریا که قسمت اوستا و پهلوی باب سوم را از نظر گذرانیده‌اند تشکر کنیم و نیز از آقای سپنتا که بیانات ما را به رشته تحریر فارسی معمولی درآوردند، زیرا متأسفانه در دارالفنون هندوستان فقط ادبیات قدیم فارسی تدریس می‌شود و اغلب فارسی‌دان‌های هند از طرز نگارش فارسی کنونی بی‌بهره می‌باشند.

اینجا موقع را غنیمت شمرده لازم می‌دانیم که مقصود خود را از انتشار این قبیل کتب بیان کنیم: نخستین

نظر ما این است که به این وسیله زرتشتیان ایران را که قرن‌ها در اثر سیاه‌روزی و غفلت از تعلیمات مذهبی خود دور افتاده بودند به شاهراه حقیقت راهنمایی کنیم و آنان را به ارزش آن گوهر گران‌بها که در دست خود دارند آگاه سازیم تا در اثر عدم اطلاع در عقاید خود مشکوک نگردند و مجذوب تبلیغات این و آن نشوند.

مقصود دوم این است که سایر برداران ایرانی ما بدانند که اساس آیین زرتشت بر یکتاپرستی نهاده شده و تعلیمات آن دارای بلندترین مقام اخلاقی و روحانی است و چون به دقت بنگریم خواهیم دید در اساس و مقصد آیین ایرانیان قدیم و مذهب حالیه ایرانیان باهم موافقت دارند و هر دو متوجه یک نقطه و راهنمایی به یک مقصد مقدس می‌باشند، بنابراین چه بهتر از آنکه همه برادروار یگانه و یکرنگ دست‌به‌دست داده در خدمت نمودن به ایران خود را شریک همدیگر بدانیم:

گر مسلمان و نصارا و گر از زرتشتیم همه از یک نسب و یک پدر و یک پشتم

جز این مقصود دیگری نداریم، به عقیده ما در این عصر تمدن هرکس راجع به مذهب خود باید دارای عقیده مختار و آزاد باشد، زیرا مذهب رابطه خصوصی است مابین وجدان هرکس و خدای او و به هیچ‌وجه دیگران حق دخالت در آن ندارند، این است که به عقیده نگارنده تبلیغات مذهبی که تنها برای جذب قلوب به عمل آورده می‌شود شایسته این قرن نیست و در دنیای متمدن امروزی موثر و مفید نخواهد بود. کسی که از آزادی عقیده در مزدیسنا و تعلیمات اخلاقی اوستا و فلسفه آن آگاهی داشته باشد و به‌گود گیتای (Bhagwad Gite) هندوان و انجیل مقدس عیسویان باخبر باشد و در قرآن شریف دقتی نموده باشد و از فلسفه عالی تصوف در ایران سررشته‌ای در دست داشته باشد با عمر خیام هم‌آواز شده خواهد گفت:

بت‌خانه و کعبه خانه بندگی است ناقوس زدن ترانه بندگی است
 زنار و کلیسا و تسیح و صلیب حقا که همه نشانه بندگی است

دینشاه ایرانی سلیستز

ریس انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی

تقریظ (آفرین باد)

بسیار جای شادمانی است که اینک کتاب دیگری راجع به آیین کهن به زبان فارسی تألیف شده، به معرض مطالعه دوستداران ایران قدیم گذاشته می‌شود. تا چند سال پیش از این اگر کسی را احساسات ملی بر آن می‌داشت که از دین آبا و اجداد خود اطلاعی یابد به هیچ وجه وسیله‌ای نداشت، چه تألیفات عدیده مستشرقین در خصوص دین زرتشتی در دسترس عموم نیست، اگر هم در طی مطالعه کتب نویسندگان عرب به مسائل دینی ایرانیان قدیم برمی‌خورد جز یک مشت ناسزا و موهومات آلوده به غرض و تعصب چیزی به دست نمی‌آورد، ولی نظر به تاریخ درخشان ایران و اخلاق ستوده قوم آن که غالب مورخین قدیم ذکر کرده‌اند درک می‌کرد که دین زرتشتی نباید این طوری که مدعیان نوشته‌اند باشد، این حال اسفناک به همین منوال ادامه داشت تا اینکه در سال‌های اخیر احساسات ملی ایرانیان روی به ازدیاد نهاد و عموماً به یاد مفاخر خود افتادند و مستقیماً از خود کتب دینی زرتشتی جویای اخلاق ایران باستان شدند، از پرتو این احساسات قسمتی از کتاب مقدس اوستا به زبان فارسی تفسیر گردیده و حقیقتی کشف گشته خط بطلانی به گفتار مدعیان متعصب کشیده شده است. اینک از مطالعه این کتاب که مؤلف دانشمند آن آقای دینشاه ایرانی که خود پیرو آیین کهن و کاملاً به تعلیمات پیغمبر ایران آشناست از برای هر ایرانی نژاد به خوبی ممکن است که بداند که آبا و اجدادش خدای یگانه را می‌پرسیدند یا به قول مدعیان، آتش معبود آنان بوده، کلیه مطالب این کتاب مستند است به خود اوستا که در عهد هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان نیز همین مطالب در آن مدون بوده و پس از استیلای عرب تصرفاتی در کتاب مقدس روی نداده فقط بدبختانه قسمت مهم آن دستبرد تعصب و حوادث روزگار و پیش آمدهای ناگوار شده است. گذشته از اوستا کتیبه‌های خطوط میخی شاهنشاهان هخامنشی که تا به اندازه‌ای گویای اخلاق پاک ایرانیان قدیم است، ممد صحت مندرجات این کتاب است. این خطوط میخی که هم از عهد داریوش بزرگ (۵۲۲-۴۸۶) تا عهد اردشیر سوم هخامنشی

(۳۳۸-۳۵۹ پیش از میلاد) در کوه‌های بهستان (بیستون) و الوند و ابنیه شوش و پارس نقش بسته شده به همان ترکیب اصلی خود به جاست، همچنین از مندرجات عدیده پهلوی و پازند مثل دینکرد و بنداهش و زادسپرم و مینوی خرد و اردای ویراف‌نامه و شایست لاشایست و دادستان دینیک و شکند گمانیک و بچار و اندرزنامه آذربید مهراسپند و پت ایرانیک و بهمن‌یشت و غیره در این کتاب استشهاد شده است. برخی از مطالب کتب دینی پهلوی که غالباً در قرون وسطا جمع‌آوری شده در اوستای حالیه نیز موجود است و برخی دیگر آن از قسمت‌های مفقودشده اوستاست و یک رشته از مطالب این کتب پهلوی نیز سنت‌ها و داستان‌ها و احادیثی است که از زمان بسیار قدیم در میان ایرانیان شایع بوده و دارای علائم قدیمی است و تصرفات قرون متاخر کمتر در آن‌ها احتمال برده می‌شود.

گذشته از این اسناد بومی اخبارات مورخین و نویسندگان قدیم یونان و روم و بیزانس و سوریه و ارمنستان که از قرن پنجم از مسیح تا قرون وسطا شاهد برخی از مسائل دینی مذهبی مزدیسناست در این کتاب ذکر شده است، چنان‌که ملاحظه می‌شود مؤلف دانشمند تمام وسایل موجود را از برای روشن نمودن مطالب این کتاب به کار برده، در کمال مهارت در هر مبحث برای نمونه به طور اختصار به ذکر دو فقره اسناد و شواهد فوق پرداخته است، از مطالعه این کتاب به‌خوبی می‌توان دریافت که اصول تعالیم پیغمبر ایران در مدت تقریباً سه هزار سال در کلیه کتب دینی زرتشتی تغییر نکرده، چه همین اصول در گات‌ها که سروده‌های مقدس خود موسس دین است و زمان انشا آن بنا به عقیده اکثر دانشمندان ایران‌شناس بیش از هزار سال پیش از مسیح است با مندرجات اجزاء دیگر اوستا که چند قرن پس از عهد حضرت زرتشت انشا شده و با مندرجات کلیه کتب دینی پهلوی و پازند که در قرون وسطا تألیف شده و با مندرجات کتب روایات که در قرن هجدهم میلادی تدوین آن‌ها به زبان فارسی انجام یافته مطابق است. قرانت این نامه با این همه اسناد قدیمی و معتبر اشتباه هزارساله را از ما رفع کرده نمودار اخلاق پاک نیاکان پارسا و نامدار ما و گواه آیین نیک مزدیسناست.

پورداود

برلین ۲۶ فروردین ۱۳۰۹ = ۱۵ آوزیل ۱۹۳۰

سرآغازنامه کتاب «پرتوی از فلسفه ایران باستان»

به نام مزداهورا

حسن استقبال از تألیف ناچیز و انتشار کتاب «اخلاق ایران باستان» بنده را برآن داشت که کتاب دیگری بخصوصه برای برادران زرتشتی ایرانی که در هند یا در وطن مقدسمان ایران ساکن می‌باشند، تألیف و منتشر نمایم.

مکرر در بمبئی از طرف کسانی که با افکار غربی مصادف شده‌اند و بدبختانه از آیین خود کاملاً آگاهی ندارند از بنده سؤال شده است که آیا آیین مزدیسنا با علوم جدید موافقت دارد یا خیر؟ به علاوه از کسانی که اطلاع صحیح از مذاهب مختلفه نداشته‌اند شنیده‌ام که مذاهب را به لباسی تشبیه می‌نمایند که چون کهنه شد باید آن را با لباس نوینی عوض کرد.

من امیدوارم بین برادران زرتشتی ایران اگر کسی دارای چنین تخیلاتی باشد پس از مطالعه و تأمل در مندرجات این کتاب متوجه گردد که تعلیمات آیین کهن مزدیسنا نه تنها بر طبق اصول عقلی و اساس علم و هنر می‌باشد، بلکه از هر حیث شایسته قرن جدید است و باید آن را به مثابه طلایی دانست که امروز به واسطه قدمت زمان و پاک‌ی گوهر خود بیشتر از سابق بر ارزش آن افزوده شده است.

و نیز امیدوارم این کتاب جالب توجه برادران اسلامی واقع گردیده آن‌ها را متوجه گرداند که نیاکانشان نیز در اعصار کهن مانند خود آن‌ها دارای فلسفه‌ای بوده‌اند که بسیار با فلسفه عالی عرفان اسلامی نزدیک بوده و امیدوارم این کتاب مختصر عقد محبت و ودادی را که بین دو دسته از فرزندان ایران یعنی پیروان دو آیین عظیم اسلام و مزدیسنا بر قرار است محکم‌تر گرداند.

در خاتمه همان‌طور که در آغاز کتاب اخلاق ایران باستان متذکر شده‌ام در این نامه از پروفیسور

پورداود سپاسگزارم که مندرجات این کتاب را از نظر دقیق خود گذرانیده‌اند و نیز از آقای عبدالحسین خان سپینتا متشکرم که در ترجمه مشکل و نگارش این بیانات من به فارسی ادبی ساده در این نامه زحمت کشیده‌اند.

دینشاه ایرانی سلیسیتر

سرگذشت دینشاه ایرانی سلیسیتر

دینشاه در فروردین روز از آبان ماه ۱۲۵۰ یزدگردی/۱۳ آبان ۱۲۶۰ خورشیدی/۴ نوامبر ۱۸۸۱ میلادی، در بمبئی زاده شد. پدرش جی جی باهای آقا، مهندس کارخانه نساجی بود. پدر بزرگش بامس خداداد شهریار آقا در سال‌های نخستین سده سیزده خورشیدی از یزد به هند مهاجرت کرده بود و مادرش فیروزه بانو از نوادگان کیخسرو ایزدیار کرمانی بود که در ۱۱۷۲ خورشیدی از ایران به هند مهاجرت کرده بود. دینشاه در پنج سالگی پدرش را از دست داد. او دو خواهرش زربانو و تهمینه بانو را مادرش، به یاری خاله‌هایش بزرگ کرد.

دینشاه به سبب علاقه‌اش به ایران و نسب ایرانی خود، نام خانوادگی خود را از آقا به ایرانی تغییر داد. در ۱۲۸۰ خورشیدی از دانشگاه بمبئی کارشناسی علوم انسانی گرفت. در ۱۲۸۲ خورشیدی دانشنامه حقوق مشاوره دریافت داشت از این‌رو در هند به سلیسیتر (مشاور) نامور شد. در زمان دانشجویی در دانشگاه، در مدرسه زرتشتی سر جی جی باهای، خط و زبان اوستایی و پهلوی نیز آموخت.

در ۱۲۹۵ خورشیدی با بانو میتی بی، دختر اردشیر سیتنا، ازدواج کرد. یکی از پسران دینشاه به نام کیخسرو ایرانی (زاده ۱۳۰۰ خورشیدی) از دانشجویان انیشتین و استاد فلسفه دانشگاه نیویورک بود و تا سال ۱۳۹۵ خورشیدی زندگی کرد و پسر دیگرش فرخ ایرانی (زاده ۱۳۰۵ خورشیدی) ساکن بمبئی بوده است.

دینشاه ایرانی سلیسیتر در ۱۲۹۶ خورشیدی انجمن زردشتیان ایرانی بمبئی را بنیاد نهاد و تا پایان زندگی رییس آن بود. این انجمن چند مدرسه و مطب (در مانگاه سررتن تاتا) در تهران و یزد برای زردشتیان ساخت و پشتیبانی کرد. در ۱۳۰۱ خورشیدی، برای ایجاد مناسبات بین ایران و پارسیان هند، با همکاری شماری از پارسیان، انجمن ایران لیگ را در بمبئی بنیاد نهاد. او می‌خواست گروهی از پارسیان ثروتمند را به ایران بازگرداند و با اسکان دادن آنان و کشاورزان زرتشتی یزد در زمین‌های بایر خوزستان، این استان را به یک مهاجرنشین پارسی تبدیل کند.

دینشاه ایرانی و خواهرش زربانو در بهار ۱۳۱۱ خورشیدی به دعوت دولت ایران به همراه رایندرانات تاگور، شاعر و نویسنده نامدار هندی، به ایران سفر کردند و به پیگیری این طرح پرداخت. با این همه، تلاش وی به سبب مرگ ناگهانی اش، در ۱۲ آبان ۱۳۱۷ خورشیدی نافرجام ماند. در سفر به ایران، رضاشاه پهلوی به پاس خدمات فرهنگی و اجتماعی، به او نشان درجه یک علمی اعطا کرد.

برای شناساندن فرهنگ ایران به پارسیان چندین کتاب و مقاله نوشت. هزینه جلد اول بیست مقاله قزوینی را که به کوشش پورداود در بمبئی به چاپ رسید پرداخت. نخستین اثری که از او منتشر شد، برگردان انگلیسی اشعاری از سعدی و حافظ، به همراه شرح آن‌ها با همکاری خدابخش ایرانی در بمبئی بود. ترجمه انگلیسی انوار سهیلی، کتاب واعظ کاشفی و کلیله و دمنه بهرامشاهی در ۱۹۲۰ میلادی (۱۲۹۹ خورشیدی) از دیگر کارهای ادبی اوست. برگردان منظوم گاهان را به انگلیسی فراهم آورد که در ۱۳۰۶ خورشیدی به همراه مقدمه‌ای از تاگور، با نام «نغمه‌های ایزدی زرتشت» در بمبئی منتشر شد. در همان سال پوراندخت‌نامه، مجموعه اشعار پورداود را همراه با برگردان انگلیسی به چاپ رساند.

در ۱۳۰۷ خورشیدی نخستین کتاب فارسی خود «اخلاق ایران باستان» را در سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی به چاپ رساند. دیگر اثر فارسی او «پرتوی از فلسفه ایران باستان» (بمبئی ۱۳۱۲ خورشیدی) است. در همان سال گزیده‌ای از اشعار عارف قزوینی و نیز کتاب «سخنوران دوران پهلوی» را به انگلیسی در بمبئی به چاپ رساند. دینشاه ایرانی یک سال، از ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۶ خورشیدی ۸ شماره نشریه «پیک مزدیسنان» را به فارسی در بمبئی منتشر کرد.

دینشاه ایرانی رساله «راه شادمانی یا آموزه‌های اخلاقی زرتشت» را به انگلیسی نوشت که یک سال پس از درگذشتش در بمبئی منتشر شد. او در حال به پایان رساندن برگردان انگلیسی دیوان حافظ به همراه مقدمه و واژه‌نامه و شرح ابیات بود که زندگی اش یک روز پیش از جشن تولد ۵۷ سالگی اش پایان گرفت. یادنامه دینشاه ایرانی سلیسیترا استاد پورداود فراهم آورد و پس از درگذشت او، در ۱۳۲۳ خورشیدی منتشر شد.

بخش نخست

فلسفه آموزه‌های زرتشت

فصل نخست: علم و دین

در چند سده گذشته دانش و هنر به اندازه‌ای پیشرفت کرده است که بنیاد بسیاری از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی و غیرعلمی را سست ساخته و گاه نابود کرده است. بیشتر مسیحیان متعصب، داروین (Darwin) و پیروان دیدگاه او را از دشمنان دین و ایمان خود پنداشته‌اند و با دید نفرت به آن می‌نگرند. از سویی می‌شنویم به‌تازگی در پارلمان انگلیس گفت‌وگوهایی درباره گردآوری قانونی در میان است که برابر آن در نوشته‌های انجیل بازنگری کنند و گفته‌های آن را با اندیشه‌های نو برابر نهاده با دستاوردهای دانش نوین ثابت کنند.

بین دانشمندان علوم طبیعی نیز اختلاف باورهای بسیاری هست. دانشمندان نامداری مانند سر الیور لاج (Sir Oliver Lodge) در انگلستان، فلاماریون (Flammarion) در فرانسه و لمبرسا (Lombroso) در ایتالیا باور دارند که بر پایه تحقیقات و دستاوردهای نوینی که در پرتو دانش و هنر به دست آمده بهتر می‌توان به وجود آفریننده کل و جاودانگی روان پی برد و از حقیقت آموزه‌هایی که هزاران سال پیش بنیاد آیین‌هایی چون مزدیسنا، یهود، مسیحیت و اسلام بوده است آگاهی به دست آورد.

یکی از دانشمندان علوم طبیعی به نام سر جمس جانس (Sir James Jeans) در سرانجام تحقیقات خود به نتیجه‌ای می‌رسد که با باور دین‌های بزرگ برابری کامل داشته و برای نخستین بار در گات‌های اشوزرتشت آموزش داده شده است، به این معنی که آفریده‌های مادی در پی اندیشه‌ای بزرگ صورت هستی پذیرفته‌اند. نویسنده در اثبات دیدگاه خود می‌نویسد:

«اگر هستی دستاورد یک اندیشه است پس آفرینش آن هم باید در پی دانشی از روی اندیشه باشد. امروز درباره باورهایی که در علوم طبیعی به وجود آمده یک باور چیره شده و آن این است که جریان دانش را به سوی حقیقت غیرمادی نزدیک می‌کند؛ به گونه‌ای که پس از این آفرینش، بهتر می‌توان به یک اندیشه استوار پی برد تا آنکه به ترکیبات مکانیکی و ماده و نهاد آن توجه نمود. پس از دستاوردهای نوین دانش و

هنر، خرد کامل و خواستی که در سراسر آفریده‌ها دیده می‌شود و پایه‌های نظم و چگونگی جهان مادی و آفریده‌ها شناخته شده، نمی‌توانیم همه را دستاوردی تصادفی و اتفاقی بپنداریم، بلکه باید آن را نیروی برتر و آفریننده کل و سرچشمه همه آفریده‌ها بدانیم. آشکار است که هدف از این عقل نه عقل‌های مردمان بلکه عقل کلی است که پاره‌های سپندینه آن خرد جامعه انسانی را شکل داده و سرانجام اندیشه‌های انسان از آن سرچشمه آغاز می‌شود».

دسته‌ای از دانشمندان علوم طبیعی بر این باورند که به‌دست آوردن رازهای طبیعت در گسترش دانش‌های سودمند، دیدگاه‌های کهن را نابود کرده و از بین می‌برد. این گروه خود را باورمند به باورهای استدلالی - عقلی (Rationalist) دانسته و کوشش می‌کنند نکته‌های ناشناخته طبیعت را با دانش‌های حسی و تجربی حل کرده و ثابت نمایند. گروهی از این دانشمندان در باور به آفریننده هستی دودل هستند و باور به جاودانگی روان و روز رستاخیز را به دید شک و تردید می‌نگرند. برخی دیگر بودن خداوند و آفریننده هستی را نفی می‌کنند و خود را از هرگونه باور به دین و خدا وارسته دانسته و دهری (Atheists) می‌نامند.

باورمندان به وجود خداوند که ما نیز در این گروه هستیم - به بودن خداوندی یگانه و آفریننده‌ای بی‌مانند باورمندیم که بنیاد گیتی و جانداران و سرچشمه آفرینش‌های زمینی و آسمانی اوست. او آرایش دهنده راستین و نگارنده این نقشه فروزان و چشم‌اندازهای طبیعت است که از هرسو چشم‌نوازی می‌کند. گرچه در آغاز چنین می‌نماید که بین دسته باورمندان به آفریننده و دسته باورمند به عقل و استدلال دوگانگی هست، اما پس از نگاهی ژرف درمی‌یابیم که دیدگاه‌ها و اندیشه گروه دوم نیز می‌تواند با حقیقت پیام سپندی که به‌دست پیامبران بزرگ به جهانیان رسیده، هم‌راستا باشد. بهترین شونند ثابت کردن این گفته‌ها سخنان یا به زبان دیگر اعترافات شگفت‌آور یکی از دانشمندان علوم طبیعی انگلستان به نام سر آرتر کیت (Sir Arthur Keith) است که برای نمونه در اینجا می‌آوریم:

«من از آغاز کودکی در خانواده‌ای پرورش یافتم که از دیدگاه اندیشه و باور به دین پابند بودند. خواندن انجیل از کودکی یکی از کارهای بایسته زندگی من به شمار می‌رفت. هر یکشنبه دو بار بانگ ناقوس کلیسا از دره نزدیک خانه ما، خویشکاری دینی را به ما یادآوری می‌کرد و به ستایش پدر آسمانی فرامی‌خواند. اندرزه‌های کشیش پاک‌نهاد را با گوش جان می‌شنیدیم و به‌درستی آموزه‌های او ایمان داشتیم. در آن زمان سراسر نوشته‌های عهد عتیق برایم جایگاهی بسیار ارجمند داشت و در راستی و درستی نوشته‌های آن جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نبود، بلکه آن را یگانه تاریخ مستند گیتی می‌پنداشتم و درباره جاودانگی روح و ایمان به رستاخیز باور داشته‌ام آن را از حقیقت‌های گیتی می‌دانستم. با این همه این اندیشه و باور و فهم، یک رشته از نوشته‌های تورات مانند گناه نخستین انسان و چگونگی حقیقت روان برای من از نکته‌های نامفهوم و ناباور بود که به هیچ‌گونه‌ای نمی‌توانستم آن

دیدگاه‌ها را باریک‌بینانه بررسی کرده و در اندیشه خود باورمند سازم. هنگام خواندن تورات زمانی که به این نوشته‌ها برمی‌خوردم که یهوه، خداوند ما، روحی است بی‌نهایت و بی‌سرآغاز نمی‌توانستم چنین خداوندی را در اندیشه خود گنجانده و در خیال خود به او بیاندیشم، اما از آنجایی که در انجیل خواندم خدا آفریننده و پدر است می‌توانستم چنین خدایی را در اندیشه خود مجسم کنم در حالی که جسارت نداشتم او را با هیچ‌کدام از آفریده‌های طبیعت مانند کرده و بسنجم.

همه این اندیشه‌ها و باورها در ذهن من انباشته شد و با چنین باوره‌های ناخرمندانانه‌ای وارد آموزشکده پزشکی شدم. پس از آن کم‌کم دانش و هنر پرده‌های کز باوری‌ها را از پیش چشمانم برافکنند و نادرستی اندیشه‌های گذشته‌ام بر من آشکار شد و دانستم کتاب مقدس (انجیل و تورات) را نمی‌توان دستور همه گیتی قرار داد و به‌خوبی بر من آشکار شد که نسل جوان امروزی ممکن نیست پیرو باوری باشد که وارون دانش و دستاوردهای امروزه دانش و هنر باشد.

بنابراین تورات و انجیل کتاب‌های سپند پدران ما امروزه از دیدگاه دانش‌مداری ارزش و سندیتی ندارد و نوشته‌های آن را نمی‌توانیم برابر با علوم طبیعی نوین سنجیده و راستی آن را تأیید کنیم. پس از فهمیدن این مسئله بر من روشن شد که راه‌ها و رخدادهای بزرگ تاریخ را نباید به خواست آسمانی نسبت داد، بلکه سرچشمه آن، اندیشه‌ها و باورهایی است که کم‌کم در قلب‌های انسان‌ها جایگزین می‌شود. از دید من باور داروین درباره پیوند نژاد انسان حقیقتی راستین است که باید برابر آزمون‌ها و یافته‌های دانش امروزی درستی آن را پذیرفت و باور کرد. یافته‌های دانش‌های نوین ما را ناگزیر به پذیرفتن این نکته می‌کند که نژاد ما به نژاد گونه‌ای میمون پیوند دارد که با گذشت زمان با دگرگونی‌های شگفت‌آوری به ریخت امروزی در آمده است.

این باور نه تنها از دیدگاه علمی با حقیقت برابر است بلکه از دید مینوی و باورهای روانی نیز شایان توجه است؛ زیرا زمانی که ما از ریشه پست نژاد خود آگاهی یابیم آنگاه به علت‌های کاستی، کم‌خردی، نبود فهم و کمبود احساسات خود دست یافته و احساس سرافکنندی و شرمساری به ما دست می‌دهد، بنابراین کوشش خواهیم کرد تا کمبودها و دستاوردهای آن را که از راه ژنتیک به ما رسیده، اصلاح کنیم و بکوشیم توانایی اندیشه خود را بالا برده تا از ویژگی‌های ددخویی و جانوری رهایی یابیم.

روحانیون دینی برابر نوشته‌های کتاب مقدس همه خواش‌های تن و کمبودهای انسانی را از که آغاز زایش همراه اوست دستاورد گناه نخستین آدم در بهشت می‌دانند؛ اما دانشمندان امروزی (Biologist) ثابت می‌کنند که این کمبودها از نژاد نخستین و نسل جنگل نشینی است که به انسان امروزی به ارث رسیده است و تکامل تدریجی که در این نژاد رخ داده نتیجه قانون رشد و نشو و نبات (Evolution) است. همچنین باید دانست که این رشد و نمو انسان در درازای زمان به روان ددمنشی او

پایان نداده بلکه آن را تقویت نیز کرده و با این کار ثابت کرده که در روان انسان توانایی بی‌اندازه‌ای هست که به او توان تمیز و تسلط بر نفس می‌بخشد. نبرد بین نیک و بد که همواره در دل هر انسانی در جامعه هست، ستیزه‌ای است که برای چیره‌شدن بر روح ددمنشی و شکست دادن آن انجام می‌گیرد.

پژوهش‌های من در این باره سرانجام بدین نتیجه می‌رسد که ذرات فناپذیری که در ژرفای روان انسان جای گرفته، همان ذره همیشگی و جاودانی است که تا امروز از نیستی و نابودی نژاد انسان جلوگیری کرده است. فشرده اندیشه‌ها و دیدگاه‌های زمان جوانی من به سبب برخورد با دانش‌های نو درهم شکست؛ ولی از آنجایی که روح انسان هرگز به نفی مطلق باورمند نمی‌شود، بر روی آن بنای کهن بنیاد، باوری نوینی ساخته شد و در پی آن باورهای نو، ایمانی به دست آمد که روان را آرامش بخشید و خشنود ساخت. چنان‌که گفتیم هنگامی که ما نژاد پست خود و کمبودهای آن را بپذیریم روشن است در به فرجام رسانی روان و پاکی نفس و بالا بردن هوش و خرد خود خواهیم کوشید و جامعه انسانی را که همه از آن ذرات جاودانی بهره‌مند بوده ولی دچار کمبودها و علت‌های نژاد وحشی خود هستند با دیدی نرم و مهربان نگریده کوشش خواهیم کرد با ابزارهای در دسترس و کارهای بایسته در بالندگی و بازسازی و بهبودی آنان بکوشیم. بنابراین دیدیم که بر پایه دیدگاه‌ها و دانش و هنر امروزی همه می‌توانیم برای خود راه نوینی به سوی راستی فراهم آوریم، لکن در اینجا به پرسش‌های ناگشودنی و ناشناخته‌ای برمی‌خوریم که خرد را یارای فهمیدن آن نخواهد بود مانند اینکه: هدف پایانی این زندگی چیست؟ سرآغاز زندگانی از کجا بوده و چگونه هستی یافته است؟

در این باره تردیدی نیست که در ژرفای هستی انسان که بخشی از همه آفرینش به شمار می‌رود توان سپند هست ولی ناتوانی برای به‌دست آوردن رازهای دشوار و نکته‌های پیچیده نیز هست اما باید اندازه آن را دانست و ناتوانی این توان را بدانیم و بپذیریم.

تا این اندازه را عقل ناکارآمد و توان اندیشه ما به‌خوبی درمی‌یابد که همه آفرینش بر پایه نظمی بر پا شده و در همه آفرینش شگفت‌آور زمینی و آسمانی نقشه و آرمانی ویژه دیده می‌شود که همه را به بودن اندیشمند و نگاهبان بی‌مانندی باورمند می‌کند که سراسر هستی به خواست او پله‌های پیشرفت و بهبودی را می‌پیماید و شکوه و بزرگی چنین آفریدگاری را می‌پذیرند و او را آرمان و سرانجام می‌خوانند که به باور من آن جایگاه نهان که پایان و سرانجام آفرینش در آنجا پنهان و پوشیده مانده نیز بخشی از این هدف بزرگ بوده و به همین دلیل از رازهای ناگشوده گیتی است.

سرگذشت روزگار بسی دراز و آگاهی از آن بسی دشوار است. ما مانند کودکی نوپا خواندن این داستان شگفت‌آور را آغاز کرده‌ایم و تلاش می‌کنیم به‌زودی سرانجام و آرمان آن را دریابیم، و از این، هرچه تلاش کنیم به آرمان نزدیک‌تر شویم از آن دورتر می‌شویم و از همین جاست که حس کنجکاوری

و جست‌وجو در ما توانمند شده کم‌کم به گونه‌ای باور قلبی و بخشی از ایمان ما می‌شود. بنابراین شگفت نیست اگر بسیاری از رازهای آفرینش همواره از دید ما پنهان مانده باشد به‌ویژه سبب آفرینش که این تنها میوه درخت زندگی است که انسان نیازمند برخورداری آن است.

بنابراین باور من به جهان‌های مینوی و ایمان لرزان بود و تکیه‌گاه روشنی و استواری نداشت و چنین باوری باید برابر پیشرفت‌ها و برای بهبودی دانش و هنر، پیشرفت نموده و دگرگون شود. ولی تا این اندازه بر من آشکار است که اگر انسان باورمند شود که بهشت در همین گیتی است، بیشتر در آبادی و شکوفایی آن کوشش خواهد کرد و می‌شود در سایه‌سار این باور روی گیتی را بهشت‌آسا، آباد و شادی‌بخش گرداند.»

گفته‌های شگفت‌آور این دانشمند بزرگ در اینجا پایان می‌پذیرد. اینک من که یکی از پیروان آیین مزدیسنا هستم، گفته‌های این دانشمند را با فلسفه مزدیسنا برابر نهاده و می‌نمایانم که چگونه می‌شود آیین زرتشت با فلسفه بی‌مانند و ساده خود روان چنین دانشمندی در علوم طبیعی را که باورمند اما دودل به بودن خداوند است آرامش بخشیده و بر پایه دانش‌های نوین با نشانه‌های بی‌شمار او را خرسند ساخته، خاطر او را از دودلی و تردید آسوده ساخت و آرامش بخشید. افزون بر این نشان می‌دهد که بر پایه باور و آرزوی این دانشمند، چگونه مزدیسنا به بهشت مینوی با همه نیکی‌هایش بر روی گیتی، باورمند است.

برای رسیدن به این آرمان بایسته است در آغاز برخی از دستاوردهای علوم طبیعی نوین را که هم‌راستا با اندیشه‌های این کتاب است بسیار کوتاه بیان کنم:

۱. پایه همه هستی بر کنش و واکنش (Play and interplay) الکترون و پروتون نهاده شده که در ذرات ویژه ابزارهاست و تأثیر این دو نیرو را در مواد ذرات سر ویلیام برگ (Sir William Bragg) در نقشه شگفتی که مواد اولیه را نشان می‌دهد نشان داده است.^۱

۲. سراسر آفرینش بر پایه قانون طبیعت در رشد و پیشرفت است.

۳. آفرینش به‌سوی یک آرمان والای نادیدنی و ناشناخته‌ای در پیشرفت است.

شاید این جنبش و راه پیشرفت همواره یکسان و هموار نباشد و شاید بارها رشته این راه پاره شده باشد اما دانش و هنر نوین (Science) بودن چنین راهی را به‌سوی فرگشت ثابت کرده و آن را بخشی از نقشه بزرگ گیتی می‌شمارند.